

Criticism of Arafat-ul-Asheghin based on Majmue-ye-Lataef-va-Safine-ye-Zaraef

Omid Shahmoradi

Ph.D. student of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letterse and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, o.shahmoradi1988@yahoo.com

Mohammadjafar Yahaghi*

Department of Persian language and literature, faculty of literature and human science, ferdowsi university, Mashhad, Iran, mgyahagi@yahoo.co.uk

Arif Naushahi

Retired professor, Persian Language and Literature Department Government Gordon College, Rawalpindi, Pakistan, arifnaushahi@gmail.com

Abstract

Due to inappropriate historical, political and social conditions, many authentic literary manuscripts, such as several poets' collections, have vanished throughout history. Therefore, poem anthologies comprising various poets' poem selections are considered important references for the correction and re-correction of several literary texts. Majmue-ye-Lataef -va- Safine-ye-Zaraef from Seif-e-Jam-e-Heravi is one of the oldest anthologies remained from the eighth and ninth centuries AH in Indian subcontinent. Majmue-ye-Lataef -va-Safine-ye-Zaraef can be employed to re-correct parts of Arafat-ul-Asheghin-va-arasa-ul-arefin. Majmue-ye-Lataef-va-Safine-ye-Zaraef was written two hundred years before Arafat-ul-Asheghin in the Indian subcontinent, and hence the original and correct version of several poems from the latter can be found only in the former, making the former a significant resource for the re-correction of the latter. This work re-corrects several mistakes of two printed copies of Arafat-ul-Asheghin based on Majmue-ye-Lataef -va- Safine-ye-Zaraef as follows: incorrect assignment of poems, incorrect biographies of poets, mistakes in the record of poets' names, and wrong-readings of poems. Additionally, this paper points to the several other flaws increasing the mistakes existing in the two printed copies of Arafat-ul-Asheghin copies: weaknesses of the correction methodology, failing to refer to other reliable resources (e.g., printed poets' collections, Majmue-ye-Lataef -va- Safine-ye-Zaraef), and misreading of the manuscripts.

Keywords: Correction, Seif-e-Jam-e-Heravi, Majmue-ye-Lataef-va-Safine-ye-Zaraef, Owhadi-e-Balayani, Arafat-ul-Asheghin.

* Corresponding author

فصلنامه متن شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجم و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم
شماره سوم (پیاپی ۴۳)، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۵-۴۱
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲، تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۲/۱۳۹۸

نقد عرفات‌العاشقین با تکیه بر مجموعه لطایف و سفینه ظرایف

امید شاهمرادی * - محمد جعفر یاحقی ** - عارف نوشانی ***

چکیده

به سبب شرایط نامناسب تاریخی، سیاسی و اجتماعی، بسیاری از نسخه‌های معتبر آثار ادبی ازجمله دیوان برخی از شاعران در طول تاریخ از بین رفته است؛ به همین سبب می‌توان از سفینه‌های شعری که دربردارنده گزیده‌ای از اشعار شاعران مختلف است، در جایگاه یکی از مهم‌ترین منابع جانبی برای تصحیح و بازتصحیح بسیاری از متون ادبی بهره برداشت. مجموعه لطایف و سفینه ظرایف تألیف سیف جام هروی از کهن‌ترین سفینه‌های به جامانده از قرون هشتم و نهم در شبه‌قاره است که می‌توان از آن در بازتصحیح بخشی از عرفات‌العاشقین استفاده کرد. مجموعه لطایف حدود دو سده پیش از تذکرۀ عرفات‌العاشقین در شبه‌قاره نوشته شده است. به همین سبب شعر برخی از شاعرانی که در عرفات‌العاشقین آمده، تنها در مجموعه لطایف ثبت شده است؛ بنابراین مجموعه لطایف یکی از منابع محدودی است که می‌توان با تکیه بر آن به ضبط‌های صحیحی از اشعار برخی شاعران عرفات‌العاشقین دست یافت. این مقاله با تکیه بر مجموعه لطایف، برخی از اشتباهات موجود در دو چاپ عرفات‌العاشقین را بررسی می‌کند: انتساب نادرست اشعار، خطای در معروفی شاعران، خطای در ضبط نام شاعران و ضبط نادرست اشعار. افزون‌بر آنچه بیان شد، ضعف روش‌شناسی در فن تصحیح، مراجعه نکردن به منابعی مانند دیوان‌های چاپی شاعران و منابعی مانند مجموعه لطایف و نیز بدخوانی مصححان باعث افزایش میزان خطاهای دو چاپ عرفات‌العاشقین شده است که در این مقاله به آنها اشاره می‌شود.

واژه‌های کلیدی

تصحیح؛ سیف جام هروی؛ مجموعه لطایف و سفینه ظرایف؛ اوحدی بلیانی؛ عرفات‌العاشقین

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، o.shahmoradi1988@yahoo.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسؤول) mgyahagi@yahoo.co.uk

*** استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی کالج دولتی گوردون، راولپنڈی، پاکستان، arifnaushahi@gmail.com

مقدمه

سلدهای هفتم و هشتم به‌سبب پیدایش نخستین سفینه‌ها به زبان فارسی، نقطه عطفی در تاریخ ادبیات است. با وجود این، تعداد سفینه‌هایی که از این دوره به دست ما رسیده، بسیار اندک است و در دورهٔ تیموری و صفوی نگارش آنها به اوج می‌رسد (افشار، ۱۳۸۹: ۲). محمد قزوینی با معرفی نسخهٔ مونس‌الاحرار محمد بدر جاجرمی (قروینی، ۱۳۳۲، ج ۲: ۱۸۶) و سپس حبیب یغمایی با چاپ نمونهٔ نظم و نشر فارسی از آثار اساتید متقدم (۱۳۴۳)، برای نخستین بار توجه اهل ادب را به این نوع ادبی جلب کردند. مجموعهٔ لطایف و سفینهٔ ظرایف به قلم سیف‌جام هروی یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین اینگونه مجموعه‌های است. تدوین مجموعهٔ لطایف که گمان می‌رود تا سال ۸۰۴ هجری به طول انجامیده، در زمان سلطنت فیروزشاه تغلق (حک: ۷۵۲-۷۹۰ ق) آغاز شده است (رک: نذیر احمد، ۱۳۹۴ ب: ۳۴۹-۳۴۷). موضوع اصلی این اثر بلاغت است؛ اما جامع آن در ذیل هر صنعت بلاغی، اشعار فراوانی از سرایندگان مختلف را گردآورده و اهمیت کتاب خود را تا حد یک سفینهٔ شعری پربرگ بالا برده است. از این اثر تاکنون دو نسخه در کتابخانه‌های جهان شناسایی شده است: ۱) نسخهٔ لندن در ۴۴۷ برگ، محفوظ در کتابخانهٔ بریتانیا؛ ۲) نسخهٔ کابل در ۴۱۰ برگ، محفوظ در آرشیو ملی افغانستان (برای جزئیات بیشتر رک: نوشاهی، ۱۳۷۸: ۵۲-۵۳). مجموعهٔ لطایف به‌سبب قدمتش می‌تواند در تصحیح و بازتصحیح برخی از متون شعری، به‌ویژه سفینه‌ها و تذکره‌ها، منبع جانبی مهمی باشد. اهمیت این اثر در تصحیح متن‌هایی که پس از آن در همان حوزهٔ جغرافیایی به نگارش درآمده است، بیشتر و بهتر آشکار می‌شود. عرفات‌العاشقین (تألیف: ۱۰۲۲-۱۰۲۴ ق) از جمله تذکره‌های عمومی است که حدود دو سله پس از مجموعهٔ لطایف در آگرہ هند نوشته شد. با وجود اهمیت این تذکره، متأسفانه فقط سه نسخه از آن موجود است که آنها هم مغلوط و ناقص و متأخر است (برای آگاهی از نسخ این کتاب رک: اوحدی، ۱۳۸۹: ج ۱، سی - سی و دو؛ پس با وجود چنین نسخی، برای به دست دادن چاپی منقح، از مراجعه به منابع جنبی و معتبر ناگزیریم. تاکنون دو تصحیح از عرفات‌العاشقین چاپ شده است: نخستین بار محسن ناجی نصرآبادی در سال ۱۳۸۸ و بار دوم ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر‌احمد در سال ۱۳۸۹ این تذکره را تصحیح و منتشر کردند. تصحیح دوم این تذکره نسبت به تصحیح نخست به مراتب بهتر است؛ گرچه این چاپ نیز کاستی‌هایی دارد که از مهم‌ترین آنها استفاده نکردن از منابع جنبی مانند سفینه‌های شعری است. این مقاله با تکیه بر مجموعهٔ لطایف، به بررسی عرفات‌العاشقین پرداخته و نشان داده است استفاده از منابعی مانند مجموعهٔ لطایف تا چه حد به تصحیح بهتر متنی مانند عرفات‌العاشقین کمک می‌کند و در کاستن لغزش‌های موجود در آن مفید است. محور این پژوهش عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری و فخر‌احمد است؛ اما نگارندگان افزون‌بر این چاپ در موارد اختلاف نمونه‌ها به چاپ ناجی نصرآبادی از عرفات‌العاشقین نیز مراجعه داشته‌اند.

پیشینهٔ پژوهش

برپایهٔ جست‌وجوی نگارندگان، پژوهش‌های زیر دربارهٔ مجموعهٔ لطایف منتشر شده است. نخستین بار سعید نفیسی (۱۹۵۵ م) در مقاله‌ای به معرفی پنج مجموعهٔ کهن از جمله مجموعهٔ لطایف پرداخت. او در این مقاله، مؤلف مجموعهٔ لطایف را به‌اشتباه سیف‌جام هروی معرفی کرد. پس از او، نذیر احمد (۱۳۹۴ الف) مقاله‌ای در اصلاح برخی نظریه‌های نفیسی از جمله نام مؤلف مجموعهٔ لطایف نوشته است. عارف نوشاهی نیز در دو جستار مستقل (۱۳۷۸) و (۱۳۸۱)، مجموعهٔ لطایف را معرفی کرده است. خلیل‌الله افضلی نیز در مقاله‌ای (۱۳۹۵) سرگذشت نسخهٔ کابل مجموعهٔ

لطایف را نوشته است. نذیر احمد (۱۳۹۴ ب) در مقاله‌ای دیگر چند شاعر کم‌شهرت در دوره فیروزشاه تغلق را با تکیه بر مجموعه لطایف بازشناسی و بررسی کرده است. همچنین او (۱۹۹۱ م) یک قصیده به همراه صد و بیست و شش غزل حافظ را که در مجموعه لطایف آمده، به صورت کتابی چاپ کرده است. عارف نوشاهی (۱۳۷۹) همچنین بخش موسیقی این اثر را تصحیح و منتشر کرد. امیرحسن عابدی نیز در جستاری (۱۳۶۳) دو غزل از اشعار نویافته سعدی را براساس مجموعه لطایف به چاپ رساند. فوزیه وحید (۲۰۱۱ م) نیز شاعران کم‌شهرت نیمه اول مجموعه لطایف را برای رساله دکتری براساس نسخه لندن، به صورتی مغلوط در دانشگاه علیگره تصحیح کرده است. این رساله بعدها (۲۰۱۴ م) در علیگره به صورت کتابی مستقل چاپ شد.

با توجه به اهمیت عرفات‌العاشقین، تاکنون تحقیقات بسیاری درباره آن انجام شده است. گلچین معانی (۱۳۶۳) ضمن پرداختن به شرح حال اوحدی و توصیف نسخه‌های عرفات‌العاشقین، به طور گذرا به برخی از ایرادهای موجود در این تذکره، مانند در هم آمیختن شرح حال‌ها و ثبت غلط نام‌ها، اشاره کرده است (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۰-۱۱). شفیعیون (۱۳۹۱) نیز در نوشتاری به برخی از لغزش‌های اوحدی پرداخته است. با انتشار دو چاپ عرفات‌العاشقین در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، به نقد و بررسی این اثر بیشتر توجه شد؛ جعفری و دیگران (۱۳۹۳) اشعار قطران تبریزی را در مقایسه با دو چاپ عرفات‌العاشقین بررسی کرده‌اند. شفیعیون در مقاله‌ای (۱۳۸۹) با برشمودن برخی از ایرادهای روش‌شناسی و تصحیح، چاپ ناجی نصرآبادی را کم اعتبار دانسته است. علیزاده (۱۳۹۲) با آنکه جستارش درباره شاعران تبریز و آذربایجان در عرفات‌العاشقین بوده، به استفاده نکردن مصححان از منابع معتبر اشاره کرده است. همچنین نحوی (۱۳۹۳) با آنکه به تحقیق درباره شعرای فارس پرداخته، برخی از مسائل درباره ضعف روش تصحیح و اشتباهات خود اوحدی را بررسی کرده است. همچنین شفیعیون در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۳) به برخی از لغزش‌ها مانند روش تصحیح، ضعف روش‌شناسی در تحقیق و نمایه‌های عرفات‌العاشقین (چاپ صاحبکاری و فخر‌احمد) پرداخته است؛ به طور کلی ایرادهای شفیعیون جدا از لغزش‌های چاپی و تحقیقی، به شاعران سده‌های نهم و دهم بازمی‌گردد. بیدکی و دیگران (۱۳۹۶) نیز به بررسی انتقادی عرفات‌العاشقین، با تکیه بر مجلس‌النهايس پرداخته‌اند؛ نویسنده‌گان این مقاله تنها به شاعران طبقه متوسط عرفات‌العاشقین توجه داشته‌اند.

چنانکه مشاهده شد، هیچ پژوهش جامعی تاکنون درباره عرفات‌العاشقین از منظر سفینه‌ها به‌طور عام و مجموعه لطایف به‌طور خاص انجام نشده و در پی رفع کاستی‌های متین عرفات‌العاشقین از این دیدگاه برنیامده است. در این پژوهش به برخی از ایرادهای دو چاپ عرفات‌العاشقین با تکیه بر مجموعه لطایف پرداخته و نشان داده می‌شود که مجموعه لطایف تا چه حد در تصحیح عرفات‌العاشقین راهگشاست.

بحث و بررسی

خطاهای و اشتباهات موجود در عرفات‌العاشقین را در دو حوزه می‌توان مطرح کرد؛ این خطاهای و اشتباهات یا به مؤلف آن یعنی اوحدی بر می‌گردد و یا به کار مصححان اثر مربوط می‌شود. در این پژوهش، اشعار و شاعرانی بررسی می‌شود که در مجموعه لطایف شعر و نام آنها آمده است. همه موارد ارجاعی به مجموعه لطایف براساس نسخه محفوظ در کتابخانه بریتانیا خواهد بود.

انتساب غلط اشعار

یکی از ایرادهای مهمی که در درجه اول بر اوحدی و در درجه دوم بر مصححان عرفات‌العاشقین وارد است، اشتباه در انتساب اشعار است که در ادامه، مثال‌هایی درباره آن ارائه خواهد شد.

- شعری با مطلع زیر در عرفات‌العاشقین، به رودکی نسبت یافته است:

زهی فزووده جمال تو زیب و آرا را
شکسته سنبل زلف تو مشک سارا را
(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۵۳۵)

این غزل در برگ «۲۴۸ پ» مجموعه لطایف، به صورت کامل‌تر و در نه بیت (پنج بیت اضافه‌تر نسبت به عرفات‌العاشقین) به نام رشید و طوطاط آمده است. نکته مهم اینکه در بیت آخر غزل، تخلص «رشید» نیز ذکر شده است: **رشید را به غلامی اگر قبول کنی به بندگی نپسند هزار دارا را**

این غزل و نه غزل دیگری که در مجموعه لطایف، ذیل نام «رشید» آمده است، هیچ‌کدام در دیوان رشید و طوطاط موجود نیست و این امکان وجود دارد که از او نباشد؛ اما چهار نکته درخور توجه است: نخست آنکه بیت دارای تخلص است و نشان می‌دهد که شعر از شاعری به نام «رشید» بوده است و قطعاً از رودکی نیست. دیگر اینکه، اقدم نسخ دیوان رشید و طوطاط که در تصحیح نفیسی استفاده شده از قرن یازدهم است (وطوطاط، ۱۳۳۹: ۴۲)؛ حال آنکه مجموعه لطایف متعلق به قرن هشتم و نهم است. نکته سوم اینکه رشید و طوطاط در دورانی می‌زیست که در کنار قالب قصیده، قالب غزل نیز در حال اوج گرفتن بود؛ تعداد غزلیات موجود در دیوان‌های انوری، خاقانی، عبدالواسع جبلی و اثیر اخسیکتی که معاصر رشید و طوطاط بوده‌اند، گواه روشنی بر رواج غزل در این عصر است. حال آنکه در دیوان رشید فقط ده غزل به‌شکل ناقص موجود است. نکته چهارم اینکه دولتشاه سمرقندی (قرن نهم) دیوان رشید و طوطاط را قریب به پانزده هزار بیت برآورد کرده است (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۸۹)؛ درحالی‌که چاپ نفیسی ۸۵۶۳ بیت دارد (وطوطاط، ۱۳۳۹: ۴۲).

- در عرفات‌العاشقین قصیده کوتاهی با مطلع زیر در ذیل نام لامعی گرگانی ثبت شده که البته در دو چاپ نفیسی و دبیرسیاقی نیز آمده است:

مه روی من بخواست به عزم شکار اسب گفت ای غلام خیز و به زین اندر آر اسب

اما این قصیده به دلایلی نمی‌تواند از لامعی باشد؛ نخست همان‌گونه که دبیرسیاقی مصحح دیوان لامعی در پانوشت آورده، این قصیده منسوب به لامعی است (لامعی گرگانی، ۲۵۳۵: ۱۲)؛ دیگر آنکه این قصیده در هیچ‌کدام از نسخ موجود دیوان لامعی نبوده است؛ همچنان که در جدیدترین تصحیح دیوان او نیز در متن دیوان نیامده و مصحح آن را در بخش ملحقات، از روی چاپ نفیسی و دبیرسیاقی آورده است (همان، ۱۳۸۹: ۱۷۹)؛ دلیل سوم اینکه در برگ «۱۰۱ ر» مجموعه لطایف، این قصیده به کمال‌الدین فرقدی نسبت یافته است؛ این انتساب آنگاه قوت می‌باید که مجموعه لطایف از همه نسخه‌های دیوان لامعی کهن‌تر است. دلیل چهارم این است که این قصیده به یکی از نسخه‌های دیوان کمال‌الدین اسماعیل (به سبب تشابه نام او با کمال‌الدین فرقدی) وارد شده است؛ به همین سبب مصحح دیوان کمال‌اسماعیل این قصیده را که تنها در نسخه مجلس شورای ملی مورخ (۷۲۱ ق) موجود بوده، جزو ملحقات دیوان کمال‌آورده است (کمال اصفهانی، ۱۳۴۸: ۹۷۳-۹۷۴)؛ پنجمین دلیل منطقی این است که در سنت ادبی، عموماً اشعار شاعران کم‌شهرت به شاعران مشهور‌تر منتسب می‌شده است^۱ و چون کمال‌اسماعیل از کمال‌الدین فرقدی مشهور‌تر است، امکان این انتساب بیشتر می‌شود.

- شعر زیر نمونه‌ای دیگر از انتساب نادرست ابیات در عرفات‌العاشقین است:

ای رخت آینه‌گیتی نمای چشم من

مهر روی روشن شمع سرای چشم من
زلف و رخسار تو را شام و سحر خوانم از آنک
هست آن بند دل و این دلگشای چشم من

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۱۴۷)

دو بیت بالا در عرفات‌العاشقین ذیل نام «شمس درود» آمده؛ حال آنکه بیت اول آن در جای دیگر همین تذکره، به شاعر دیگری به نام «مسعود صفی» نیز منسوب شده است (همان، ج ۶: ۳۹۳۹). در برگ «۳۵۵ پ - ۳۵۶ ر» مجموعه لطایف، هر دو غزل «شمس درود» و «مسعود صفی» به صورت کامل‌تر به دنبال هم آمده است که نشان می‌دهد بیت اول شعر بالا در عرفات‌العاشقین، از «مسعود صفی» است؛ حال آنکه بیت نخست غزل «شمس درود» به این صورت است:

تا که شد سودای زلفت آشنای چشم من شد سیه از دود دل صحن سرای چشم من
علت اشتباه اوحدی، احتمالاً وحدت وزن و قافیه در دو غزل «شمس درود» و «مسعود صفی» بوده است.

افزون بر آنچه بیان شد، می‌توان به نمونه دیگری از انتساب‌های اشتباه اوحدی یعنی نسبت‌دادن یک شعر به دو تن

اشاره کرد:

- اوحدی شعری با مطلع زیر را به ابوسعید سعادت بن مسعود سعد سلمان نسبت داده است:

بر گل عیبر داری و بر لاله مشک ناب بر ناردانه لؤلؤ و بر ناردان گلاب

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۰-۸۱)

اما در جای دیگری از تذکره (همان، ج ۳: ۱۸۴۰)، همان شعر به صورت کامل‌تر و در شش بیت به نام «سعید سعد» ثبت شده است؛ با این تفاوت که تخلص در بیت آخر، «سعید سعد» آمده است؛ در برگ «۳۶۳ پ» مجموعه لطایف، این شعر در دوازده بیت با ذکر تخلص، از «سعید سعد» دانسته شده و این بیانگر آن است که احتمالاً اوحدی به‌سبب تشابه اسمی دو شاعر، آن را به سعادت بن مسعود سعد نسبت داده است.

- نمونه دیگر انتساب شعری با مطلع زیر به جلال عضد است:

آتش دل چند سوزد رشتہ جانم چو شمع ای صبا تشریف ده تا جان برافشانم چو شمع

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۰۱۱)

که هم در برگ «۳۱۶ پ» مجموعه لطایف و هم در دیوان جلال عضد (۱۳۹۳: ۳۸۵) به نام وی آمده است؛ اما اوحدی شعر بالا را در جای دیگری از تذکره، به شاعری با نام «جلال» نسبت داده است (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۰۲۶)؛ ولی هیچ اطلاعی از هویت و شرح حال او ارائه نمی‌دهد و به نظر می‌رسد نامی مجعلی باشد.

خطا در معرفی شاعران

به گفته اوحدی، عرفات‌العاشقین بیست و هشت عرصه به عدد حروف تهجی دارد و در هر عرصه، سه غرفه درباره شاعران متقدم و متوسط و متأخر موجود است (همان، ج ۱: ۳۴). یکی از ایرادهایی که بر اوحدی وارد است، خطاهای او در همین طبقه‌بندی و معرفی شعراست. اصرار اوحدی در معرفی و بازشناسی شاعران، گاهی به طبقه‌بندی‌های نادرست، معرفی‌های اشتباه و سجع‌پردازی‌های بی‌محتوا انجامیده است. در ادامه، به بخشی از این خطاهای اشاره می‌شود.

- از جمله اشتباهات اوحدی می‌توان به طبقه‌بندی شاعران ذیل سه عنوان متقدم و متوسط و متأخر اشاره کرد. برای مثال، او جلال‌الدین عتیقی را که تا سال ۷۴۳ قمری می‌زیسته است (عتیقی، ۱۳۸۸: نه) در شمار متقدمین ذکر می‌کند (اوحدی، ۱۳۸۹: ج ۵، ۲۵۹۵)؛ اما شاعران مقدم بر او مانند امیرخسرو (م: ۷۲۵ ق) و نزاری قهستانی (م: ۷۲۰ یا ۷۲۱ ق) را ذیل طبقه متوسطین می‌آورد. همچنین اوحدی در بخش شاعران متاخر (سخنوران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم)، شعری را به خواجه وجیه‌الدین منسوب می‌کند (همان، ج ۷: ۴۵۷۵)؛ حال آنکه این شعر در برگ «۴۶» مجموعه لطایف نیز آمده است. به‌سبب آنکه مجموعه لطایف در ۸۰۴ هجری تدوین یافته، اوحدی در ذکر این شاعر در طبقه متأخرین به خطأ رفته است. همچنین اوحدی مجد خوافی (نویسنده و شاعر سده هفتم و هشتم) را که شعر او در برگ «۳۱۵ پ» مجموعه لطایف آمده، ذیل طبقه متأخرین آورده است (اوحدی، ج ۶: ۳۹۸۷-۳۹۸۸).

- از دیگر خطاهای راه‌یافته به عرفات‌العاشقین معاصردانستن شاعرانی است که به استناد منابع دیگر، هم‌دوره بودن آنها با یکدیگر ناممکن است؛ برای مثال صاحب عرفات‌العاشقین، سیفی هروی را معاصر سیفی بخاری و امیر یادگار سیفی می‌داند (همان، ج ۳: ۱۸۷۴)؛ اما آنها با یکدیگر معاصر نیستند. نام سعد‌الدین سیفی هروی در برگ «۳۳۷ پ» مجموعه لطایف آمده است و یکی از اشعاری که اوحدی به او نسبت داده، به صورت کامل‌تر در این مجموعه مندرج است؛ پس ممکن نیست سیفی هروی با سیفی بخاری که هم صحبت جامی بوده و نیز با امیر یادگار سیفی که در دوره با پسر می‌زیسته است (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۸۷۱)، معاصر باشد.

- از دیگر اشتباهات اوحدی می‌توان به خطاهای او در خلط شخصیت‌ها اشاره کرد؛ برای نمونه اوحدی به‌اشتباه و به نقل از تاریخ بیهقی، «سعد ضراب دامغانی» را از شاعران عهد غزنوی می‌داند و غزلی را از او در تذکره خود می‌آورد (همان: ۱۷۴۹). نام «سعد ضراب دامغانی» و صورت کامل‌تر این غزل، در برگ «۳۳۶ پ» مجموعه لطایف آمده است. به گمان بسیار اوحدی «سعد ضراب» را با «سعید صراف» در تاریخ بیهقی (برای شرح حال او رک: بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۳۸۲) خلط کرده است و مصححان عرفات‌العاشقین که متوجه خطای او نشده‌اند، به‌اشتباه «سعد ضراب» را به «سعید ضراب» تغییر داده‌اند. افزون‌بر این، غزل «سعد ضراب» شباهتی به سبک شعر عصر غزنوی ندارد.

- از دیگر سهوهای اوحدی، لغش او در خلط «ابوالحسن لوکری» و «محمد لوکری» است. هرچند اوحدی هریک از آنها را ذیل عرفه‌ای مستقل آورده، با کسانی همنظر است که ابوالحسن لوکری را با محمد لوکری یکی دانسته‌اند (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۴۵-۳۶۴۳). این دو فرد به دو سبب از یکدیگر تمایزند: اول اینکه، نام ابوالحسن لوکری «علی» است و از شاعران عهد سامانی بوده که «لوکری» تخلص می‌کرده است. شرح حال و اشعار او در لباب‌الالباب آمده است (عوفی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۵۳). دوم اینکه، نام لوکری دوم «محمد» است و افزون‌بر اینکه شعر او به شعر عهد سامانی شباهتی ندارد، تخلص شعری او «محمد» بوده است. سه بیت غزلی که از او در عرفات‌العاشقین آمده، در برگ «۳۰۴ پ - ۳۰۴ ر» مجموعه لطایف با تخلص «محمد» به صورت کامل‌تر ذکر شده است. مقطع این غزل اینگونه است:

ز آرزوت محمد دوباره می‌گوید بیا که بالبته امروز کارها دارم

مطلوب قابل اعتمادی که اوحدی در شرح حال ابوالحسن لوکری و برخی از شاعران متقدم در عرفات‌العاشقین آورده، اغلب از لباب‌اللباب عوفی نقل شده است؛ ولی اوحدی هرجا مطلبی بر گفته عوفی افزوده، یا به لفظ پردازی روی آورده و یا اشتباه کرده است؛ مثلاً شعر معروف لبیسی را (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۳) با استناد به تاریخ بیهقی از ابوالحسن لوکری دانسته است (اوهدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۴۴)؛ بنابراین کاملاً نمی‌توان به سخن او درباره لوکری و همچنین برخی از شاعران متقدم دیگر اعتماد کرد.

تصحیف و تحریف در عرفات‌العاشقین

عرفات‌العاشقین مشتمل بر ۳۴۹۲ ترجمه^۲ به همراه هشتاد هزار بیت شعر است (واله داغستانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۰۴). کثرت ابیات و بسیاری نام شاعران سبب شده است که خطاهایی به این اثر راه یابد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. با تکیه بر مجموعه اطایف، این خطاهای را می‌توان در دو بخش «نام شعر» و «متن اشعار» بررسی کرد. وجود برخی از این تصحیفات و تحریفات را افزون بر اشتباهات اوحدی و نداشتن نسخ معتبر می‌توان به مصححان نسبت داد که به‌سبب بدخوانی و مراجعه نکردن به منابع معتبر نتوانسته‌اند صورت صحیح اشعار را پیدا و ضبط کنند.

خطا در ضبط نام شاعران

- نام عمید لویکی، شاعر سده هفتم، در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی به صورت «عمیدالدین الدیلمی اللومکی» (اوهدی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۴۲۸) و در چاپ صاحبکاری و فخر احمد به صورت «عمیدالدین الدیلمی النونکی» (همان، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۰۵) ضبط شده است. در برگ ۹ ر^۳ مجموعه اطایف، نام صحیح این شاعر به همراه شعر او آمده است. مصححان عرفات‌العاشقین (چاپ صاحبکاری - فخر احمد)، ضبط «النونکی» را تنها با مراجعه به فرهنگ سخنوران برگزیده‌اند و از مراجعه به منابع دیگر - مانند مجموعه اطایف و دیوان اشعار لویکی که مصحح دیوان به صورت مستدل درباره نام شاعر بحث کرده است (لویکی، ۱۹۸۵: ۵-۶) - غفلت کرده‌اند. این شیوه نادرست در مقابله اشعار نیز مشاهده می‌شود؛ برای مثال مصححان به‌جای مراجعه به دیوان‌های عمید لویکی، همام تبریزی، جلال عضد و غیره، یا به منابع متأخری مانند مجمع الفصحای هدایت بسنده کرده‌اند و یا به تصحیح قیاسی روی آورده‌اند.

- همچنین مصححان هر دو چاپ عرفات‌العاشقین، ضبط صحیح «سعد ضراب دامغانی» را که در نسخه خدابخش عرفات‌العاشقین آمده است، به پانوشت برده و به‌جای آن ضبط نادرست «سعید ضراب دامغانی» را برگزیده‌اند (اوهدی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۳۶). در برگ ۳۳۶ پ^۴ مجموعه اطایف، غزل نامبرده در عرفات‌العاشقین، به صورت کامل‌تر همراه با تخلص شاعر آمده است که نام صحیح او را آشکار می‌کند:

وگر به فرقت یاران هلاک گردی سعد! مگر صبا ز تو گردی بدان دیار برد!

- نمونه‌ای دیگر از اشتباهات اوحدی را می‌توان در نام «شمس جنبدی» یافت؛ اوحدی ذیل شرح حال او می‌نویسد: «شمس فلک بلافت، اخت بر ج فصاحت ... سراپا نیک معرا از لباس بدی، شمس‌الدین جنبدی ...» (اوهدی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۰۲۳). پیداست اوحدی در شرح بالا با سجع بین «بدی» و «جنبدی» نام شاعر را «جنبدی» دانسته است. نام این شاعر در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی (همان، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۸۴۵)، فرهنگ سخنوران (خیامپور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲)

۵۱۲) و هفت اقلیم (رازی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۷۰۴) نیز به استباہ «شمس‌الدین جنیدی» ثبت شده است. در مجموعه لطائف، نام شاعر «شمس جنیدی» آمده است که احتمالاً صورت صحیح نام اوست. در هفت اقلیم و به تبع آن در عرفات‌العاشقین، فقط سه بیت از شعر این شاعر در ستایش پیامبر نقل شده است؛ اما در برگ «۱۶ ر» مجموعه لطائف، صورت کامل‌تر این شعر در دوازده بیت همراه با تخلص شاعر آمده است:

يا رسول الله قبولم کن به احسانی از آنک شمس جنیدی گشت از سودای تو سودا زده

- همچنین تحریف نام فرزدق یمینی به یمنی از دیگر استباہات مصححان (چاپ صاحبکاری – فخر‌حمد) است. اوحدی ذیل نام فرزدق یمینی چنین می‌نویسد: «از جمله صاحب‌کمالان گزینی گوهر یمین بی قرینی حکیم فرزدق یمنی...» (اوهدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۱۶۷). گلچین معانی درباره این سجع پردازی‌های اوحدی می‌گوید: «اگرچه مؤلف عرفات در به کار بردن مترافات و الفاظ متشابه با نام و تخلص و حرفت شاعر زیاده‌روی کرده است، ولی گاهی که نام شاعری دستخوش تحریف و غلط‌کاری کاتب شده باشد، همان الفاظ در درست خواندن نام صاحب ترجمه مفید واقع می‌شود» (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶). سجع بین «بی قرینی» و «یمنی» نشان می‌دهد که اوحدی به درستی نام شاعر را «یمنی» می‌دانسته است؛ اما مصححان عرفات‌العاشقین بدون توجه به سجع پردازی‌های اوحدی، با استناد به مجمع الفصاحتا به استباہ «یمنی» را به «یمنی» تغییر داده‌اند. گفتنی است نام این شاعر در عرفات‌العاشقین (چاپ ناجی نصرآبادی) به درستی فرزدق یمینی ذکر شده است (اوهدی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۸۳۹). گواه دیگر در صحیح‌بودن ضبط «یمنی» تخلص شاعر به «یمنی» در بیتی از سوگندنامه اوست که در برگ «۷۷ پ» مجموعه لطائف اینگونه آمده است:

غباری هست اگر باقی ادب کن بنده را اکنون ز تو تیغ از یمینی سر ز تو حکم از یمینی جان

نحوی فرزدق یمینی را از شاعران قرن هفتم و هشتم دانسته است (نحوی، ۱۳۹۳: ۱۵۲)؛ ولی باید فرزدق را در شمار سخنوران قرن ششم و یا حتی مقدم بر آن دانست؛ زیرا روحانی غزنوی، شاعر عصر بهرامشاه (قرن ششم)، فرزدق را هجو کرده است:

شندۀ‌ای تو که سوگندنامه‌ها دیدم	ز گفته دو سه محراب کوب لتا بان ^۳
چهارمین شان کاسه کجا برم باری	چراغ مردۀ دانش فرزدق نادان
(رازی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۵۴۸)	

فرزدق نامبرده در بیت بالا فرزدق یمینی سراینده سوگندنامه‌ای است که در مجموعه لطائف و عرفات‌العاشقین آمده است.

ضبط نادرست اشعار

در این بخش از مقاله، با تکیه بر مجموعه لطائف، به نمونه‌هایی از ضبط‌های نادرست اشعار در عرفات‌العاشقین اشاره خواهد شد.

- در عرفات‌العاشقین قصیده‌ای از حسن کاشی یا لطف‌الله نیشابوری^۴ به مولانا لطفی نسبت یافته (اوهدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۵۱-۳۶۵۲) که چون هویت او بر مصححان آشکار نشده است، به منابع دیگر از جمله دیوان حسن کاشی یا متنی مانند مجموعه لطائف برای تصحیح این ایيات مراجعه نکرده‌اند؛ درنتیجه متن اشعار به صورت ناصحیح آمده است.

یا انت بدرالیقین یا انت صورالاصفیا
یا افتخارالعالمن یا اختیارالمصطفی
(همان، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۲۵۲)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، مصراع دوم بیت بالا به این صورت آمده است: «یا انت بدرالمتقین یا انت صورالاصفیا» (همان، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۵۱).

در برگ «۲۶ ر» مجموعه لطایف و دیوان حسن کاشی (۱۳۸۹: ۵۵) مصراع دوم بیت بالا اینگونه است: «یا انت بدرالمتقین یا انت صدرالاصفیا».

«صورالاصفیا» در بیت بالا بی معناست و اگر اشتباه خود اوحدی نباشد، بدخوانی مصححان است؛ همچنین «بدرالیقین» در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی مفید معنا نیست و وزن مصراع را مختل کرده است.
- بیت زیر از همین قصیده، نمونه دیگری از اشتباهات راهیافته به عرفات‌العاشقین است:

تاج سر عالم تویی فخر بنی آدم تویی در نزد حق محروم تویی یا حارت الله فی الدعا
(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۵۱)

در برگ «۲۶ ر» مجموعه لطایف و دیوان حسن کاشی (۱۳۸۹: ۵۵) ضبط «حارب الله فی الوعا» بهجای «حارث الله فی الدعا» آمده که صحیح است.
- و نیز این بیت:

نور بسیطی در علا بدر منیری در ضیا بحر محیطی در عطا ابر مطیری در سخا
(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۵۱)

در برگ «۲۶ ر» مجموعه لطایف و دیوان حسن کاشی (۱۳۸۹: ۵۵) بهجای «نور بسیط»، ضبط «چرخ بسیط» آمده است.

«نور بسیط» ترکیب درستی است؛ اما نمی‌توان آن را به بلندی (علا) وصف کرد. حال آنکه «چرخ بسیط» نماد بلندی است چنانکه امیرمعزی می‌گوید:

با همت تو چرخ بسیط است چون شمر با خاطر تو بحر محیط است چون ثری
(معزی، ۱۳۱۸: ۳۰۵)

همچنین در برگ «۲۶ ر» مجموعه لطایف و دیوان حسن کاشی (۱۳۸۹: ۵۵) ضبط «مهر منیری» بهجای «بدر منیری» آمده است. مصححان دو چاپ عرفات‌العاشقین، ضبط «مهر» را که در نسخ عرفات‌العاشقین موجود بوده است به‌اشتباه «هر» خوانده و آن را به پانوشت برده و با تصحیح قیاسی، «بدر» را برگزیده‌اند.

- همچنین این بیت از مغیث هانسوی:

فراختی به جهان در شکر پدید آید چو مهر از آن شکر تنگبار بگشاید
(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۴۲۴)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، ضبط «فراحتی» بهجای «فراختی» آمده است (همان، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۸۵۱).

در برگ «۶۹ پ» مجموعه لطایف، «فراختی» ذکر شده است.
در عرفات‌العاشقین، «فراحتی» و «فراختی» تصحیف «فراختی» است؛ شاعر با استفاده از تشییه مضمر، لب معشوق را

به شکر تشبیه کرده است که با خندیدن معشوق، باعث فراخی و فراوانی در شکر و قند می‌شود؛ چنانکه جمال الدین اصفهانی در همین مضمون می‌گوید:

گشته است فراح تنگ شکر تاشکر تنگ او سخن گفت

(جمال الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۴۳۶)

همچنین ضبط «شکر» (به تشدید ک) در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی غلط است و وزن را مختلف می‌کند.
- یا این بیت از مغیث هانسوي:

سرگشته تقدیر ز افلک شب و روز

(وحدی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۴۲۵)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، مصراع اول اینگونه آمده است: «سرگشته، تقدیر ز افلک شب و روز» (همان، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۸۵۲).

در برگ «۱۱ ر» مجموعه لطائف، مصراع اول به صورت «سرگشته تقدیر تو افلک شب و روز» ضبط شده است.
در این قصیده، موضوع شعر هانسوي حمد خداوند است و معنای مصراع اول با توجه به مجموعه لطائف چنین است: افلک، شب و روز، سرگشته تقدیر تو هستند. درحالی که در ضبط عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، نقض غرض شده و گویی شاعر اینگونه گفته است: تقدیر تو، شب و روز، سرگشته افلک است. افزون‌بر این، وزن مصراع اول اشکال دارد. در عرفات‌العاشقین چاپ نصرآبادی نیز بیت بی معناست.

- بیت زیر از عمید لویکی نمونه‌ای دیگر از خطاهای چاپی در عرفات‌العاشقین است:

در گرد تو در آیم می‌گیر و می‌نشار دست نشاط شادی و پای گلوی غم

(وحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۰۸)

در برگ «۱۹۴ ر» مجموعه لطائف و دیوان عمید لویکی (۱۹۸۵: ۳۶۱) «نای» آمده است.

چون «گلوی غم»، «پای» ندارد، ضبط صحیح «نای» است.

- و نیز این بیت از عمید لویکی:

یا رب اگرچه پیش از این بود مرا دل و جگر خسته لعبت چنگل بسته دلبر یمک

(وحدی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۴۲۹)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، مصراع دوم اینگونه آمده است: «خسته لعبت چگل بسته دلبر نمک» (همان، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۰۵).

در برگ «۱۰ ر» مجموعه لطائف و دیوان عمید لویکی (۱۹۸۵: ۱۸۷)، مصراع دوم بیت بالا به این صورت ذکر شده است: «خسته لعبت چگل بسته دلبر یمک». ضبط «چنگل» در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی، افزون‌بر اینکه مفید معنا نیست، اشکال عروضی نیز دارد. در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، ضبط «نمک» تصحیف «یمک» است؛ «یمک» از شهرهای حسن‌خیز ترکستان است که کلمه «چگل» در همان مصراع آن را تأیید می‌کند.

- یا در شعر زیر از شمس جندی:

نقش نیرنگ بر وجود آدم و حوا زده تا وجود تو شود موجود نه اش ازل

(وحدی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۸۴۵)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، مصراع دوم اینگونه آمده است: «نقش هریک بر وجود آدم و حوا زده» (همان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۰۴).

در برگ «۱۶ ر» مجموعه اطایف، مصراع دوم به صورت «نقش نیرنگ وجود آدم و حوا زده» ضبط شده است. ضبط عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد مفید معنا نیست. یکی از معانی «نیرنگ» طرح و نقش است. در برهان قاطع، ذیل واژه نیرنگ آمده است: «آنچه مرتبه اول، نقاشان به انگشت و زغال نقش و طرح کنند و بکشند» (تبریزی، ۱۳۴۲: ذیل نیرنگ). کلمه «نقاش» در شعر بالا نیز تأییدکننده درستی ضبط «نیرنگ» است. نیرنگ به این معنا در شعر معزی نیز استفاده شده است:

همیشه تا که ز نیرنگ خامه نه ماش
بر آب نقش نیفتد به چاره و نیرنگ

(معزی، ۱۳۱۸: ۶۳۶)

در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی، ضبط «نیرنگ بر» صحیح نیست؛ چون برای خلقت پیامبر (ص) نیرنگ بر وجود آدم و حوا نمی‌زند؛ بلکه نیرنگ (طرح) آدم و حوا را می‌زنند. چنانکه در مرصاد‌العباد این ترکیب اینگونه آمده است: سوز دل خسته از وصالش ننشست
وین تشنجی از آب زلالش ننشست
وز سر هوس عشق جمالش ننشست
(نجم رازی، ۱۳۶۵: ۳۲۰)

- این بیت از همان قصیده نیز همچنین است:

طرقواگوی سر کوی تو طاووس فلک
ماسوی الله آنچه دیده جمله پشت پا زده

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۰۴۴)

مصراع دوم در برگ «۱۶ ر» مجموعه اطایف به صورت «غلغله در ساکنان عالم بالا زده» آمده است. براساس مجموعه اطایف، مصراع دوم این بیت با بیت قبل از آن در عرفات‌العاشقین خلط شده است؛ بنابراین ارتباط منطقی بین دو مصراع بیت بالا برقرار نیست. صورت صحیح این دو بیت را در برگ «۱۶ ر» مجموعه اطایف، اینگونه می‌خوانیم:

چشم مازاغ البصر در عالم عین‌الیقین
طرقواگوی سر کوی تو طاووس ملک
شعر زیر از نظام‌الدین اعرج، نمونه‌ای دیگر است:
دلی چه باشد جانی که آن به نیاز کند
ماسوی الله آنچه دیده جمله پشت پا زده
غلغله در ساکنان عالم بالا زده

محب دوست چه پروای این و آن دارد
(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۳۸۵۵)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، بیت اینگونه آمده است:

دلی چه باشد و جانی که آن نیاز کند
محب دوست چه پروای آن و این دارد

(همان، ۱۳۸۹، ج ۷: ۴۳۰۶)

در برگ «۳۴۰ پ» مجموعه اطایف، مصراع اول به صورت «دلی چه باشد و جانی که آن نثار کنند» ضبط شده است. «نیاز کند» در بیت بالا، مفید معنایی نیست و مصححان عرفات‌العاشقین به اشتباہ «نثار کنند» را به «نیاز کند» تبدیل کرده‌اند. همچنین در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی، افزون‌بربی معنایی بیت، مصراع دوم اختلال وزنی دارد. نمونه‌ای دیگر از خطاهای موجود در عرفات‌العاشقین، بیت زیر از عزیزالله بسطامی است:

ای بلانگیزی چشمت بلای چشم من
چشم من دل را بلا، چشمت بلای چشم من
 (اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۴۸۳)

بیت در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخرامد چنین است:

ای بلانگیزی چشمت بلای چشم من
چشم من دل را بلا جسته برای چشم من
 (همان، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۶۷)

درک نادرست مصححان عرفات‌العاشقین از معنای بیت باعث شده است که آنها ضبط به نسبت صحیح نسخه خدابخش را به پانوشت برند و به تصحیح قیاسی روی آورند. معنای مصراج دوم با توجه به ضبط عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخرامد اینگونه است: چشم من برای دل برای چشم بلا جسته است. ضبط عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی نیز نادرست است؛ زیرا بیت قافیه ندارد. در حالی که صورت صحیح بیت را در برگ «۳۵۶» مجموعه لطایف اینگونه می‌خوانیم:

ای بلانگیزی حسنت برای چشم من
چشم من دل را بلا، حسنت بلای چشم من

- و نیز بیت زیر از همان غزل عزیزالله بسطامی:

ور سرود از رودها چون پرده‌ها آید برون
رودهای خون می‌رود از پرده‌های چشم من
 (اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۴۸۳)

بیت در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخرامد اینگونه آورده شده است:

در سرود از رودها چون پرده‌ها [آید] برون
رودها خون می‌رود از پرده‌های چشم من
 (همان، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۶۷)

بیت در برگ «۳۵۶» مجموعه لطایف به این صورت است:

در سرود از رودها چون پرده‌ها آید برون
رودها چون می‌رود از پرده‌های چشم من
 ربط و معنای دو مصراج در بیت بالا، براساس تضاد بین آن دو استوار است. مصححان بدون توجه به این نکته، تناسبی بین خون و چشم تصور کرده و «چون» را به «خون» تبدیل کرده‌اند؛ درنتیجه آرایه هنری نهفته در بیت از بین رفته است. در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی، افزون‌بر مورد گفته‌شده، وزن مصراج دوم نیز مختلف است. معنای بیت با توجه به ضبط مجموعه لطایف چنین است: هنگام سرود از رود، پرده (نغمه) بیرون می‌آید؛ حال چون (چگونه) است که چشم من بر عکس عمل می‌کند و از پرده چشم رود جاری می‌شود؟

- و یا شعر زیر از قطب الدین شیرازی:

یا رب این بنده بیچاره بی‌فایده عمر
هرچنان از کرمت برنگرفته است امید
دارم امید که امید بمانم جاوید
 (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۳۷۸)

در برگ «۴۱۵» مجموعه لطایف بهجای «امید بمانم»، «نومید نمانم» آمده است.

«امید بمانم» در بیت بالا، مفید معنایی نیست. ضبط بیت براساس مجموعه لطایف صحیح و معنای آن چنین است: خداوندا، اگر تو مرا در قیامت به جهنم بری، امید دارم که همیشه نومید نمانم (و از جهنم به بهشت درآیم). با این ضبط، بیت با داشتن معنای مستقیم، به یکی از عقاید مهم اشعاره اشاره دارد که به قول شهرستانی «صاحب گناه کبیره چون بی‌توبه بمیرد حکم او به مشیت الهی تعلق دارد یا به رحمت او را بیامزد ... و یا آنکه عذاب کند او را به مقدار گناهش

و بعد از آن به رحمت به بهشت درآورد؛ و روانیست که در دوزخ جاود بماند...» (شهرستانی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۲۹).

- همچنین بیت زیر از ظهیر فاریابی:

شمعی است چهره تو که هر شب حديث خویش

پروانه عطا همه آسمان دهد

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۵۲۴)

در برگ «۵۷ پ» مجموعه لطایف این بیت اینگونه ضبط شده است:

شمعی است چهره تو که هر شب ز نور خویش

پروانه ضیا بهمه آسمان دهد

و در دیوان ظهیر فاریابی بیت با ضبطی نزدیک به مجموعه لطایف اینگونه آمده است:

شمعی است چهره تو که هر شب ز نور خویش

پروانه عطا بهمه آسمان دهد

(ظهیر فاریابی، ۱۳۸۴: ۸۵)

با مقایسه عرفات‌العاشقین و مجموعه لطایف و با توجه به دیوان ظهیر، پیداست که این بیت براساس ضبط عرفات‌العاشقین، معنای محصلی ندارد و مصراع دوم آن خالی از اشکال عروضی نیست. در عرفات‌العاشقین (چاپ ناجی نصرآبادی) این بیت حذف شده است.

- از دیگر ضبط‌های اشتباه در عرفات‌العاشقین، می‌توان به ایات زیر از اشعار فرزدق یمینی اشاره کرد:

پیام آورد از دولت سعادت سوی انس [و] جان

که خواهم گفت یک نکته که هست آن نکته سر جان

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۱۶۸)

در برگ «۷۷ ر» مجموعه لطایف بهجای «سر جان»، «انس جان» آمده است.

ضبط عرفات‌العاشقین بی‌معنا نیست؛ اما ضبط مجموعه لطایف ارجح می‌نماید؛ زیرا شاعر به جناس بین «انس و جان» در مصراع اول با «انس جان» در مصراع دوم توجه داشته است؛ چنانکه قطران می‌گوید:

خدای ما که پیدا کرد از ناچیز انس و جان ز بهر انس و جان او را پدید آورد انس جان

(تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۷۲)

- همچنین این بیت:

محال است این که بی‌همت شود کس [میر] بحر و بر

گزار است این که بی‌امکان شود کس صید انس و جان

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۱۶۸)

بیت در برگ «۷۷ ر» مجموعه لطایف به این صورت آمده است:

گزار است آنکه بی‌همت شود کس فخر بحر و بر

محال است آنکه بی‌امکان شود کس صدر انس و جان

مصححان هر دو چاپ عرفات‌العاشقین، «فخر» را که در نسخه خدابخش موجود بوده است، به پانوشت منتقل کرده

و به پیروی از هدایت در مجمع الفصحا «میر» را برگزیده‌اند. همچنین ضبط «صید» در مصراع دوم عرفات‌العاشقین مفید معنا نیست.

- و یا بیت زیر:

که تا دولت بود قاهر، که تا ملت بود زاهر
که تا قرآن بود معجز، که تا ایمان [بود] عربان
مشهر باش چون ملت مطه ر باش چون دولت
مکرم باش چون ایمان، مشرف باش چون قرآن
(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۱۷۱)

در برگ «۷۸ ر» مجموعه اطایيف «مظفر باش چون دولت» ضبط شده است.

«مظهر» در این بیت تصحیف «مظفر» است و ضبط مجموعه اطایيف یعنی «دولت مظفر» صحیح است؛ چنانکه این ترکیب در شعر معزی نیز آمده است:

گرچه سپهر بر همه کس هست کامکار بر دولت مظفر ر او کامکار نیست
(معزی، ۱۳۱۸: ۸۹)

نتیجه‌گیری

مجموعه اطایيف و سفینه طرایيف تألیف سیف جام هروی از کهن‌ترین سفینه‌های به‌جامانده از قرون هشتم و نهم در شبه‌قاره است که از آن می‌توان در بازتصحیح بخشی از عرفات‌العاشقین بهره برد. عرفات‌العاشقین حدود دو سده بعد از مجموعه اطایيف در شبه‌قاره نوشته شده است. وحدت جغرافیایی دو اثر اشتراکاتی را در اشعار انتخابی دو متن ایجاد کرده است. با توجه به اشتراکات دو اثر و قدمت مجموعه اطایيف نسبت به عرفات‌العاشقین، در این پژوهش سعی شد که برخی از خطاهای راهیافته به عرفات‌العاشقین با تکیه بر مجموعه اطایيف بررسی شود. این خطاهایا به اوحدی، صاحب عرفات‌العاشقین مربوط است و یا به مصححان هر دو چاپ آن تذکره بر می‌گردد. در این مقاله، اشتباهات در چند حوزه بررسی شد که عبارت است از: انتساب اشتباه اشعار؛ خطای در معرفی شاعران؛ لغتش در ضبط نام شاعران و نیز ضبط نادرست متن اشعار. به این ترتیب با مراجعه به مجموعه اطایيف و سفینه‌های مشابه آن، می‌توان بسیاری از خطاهای راهیافته به عرفات‌العاشقین چاپی را تصحیح کرد و به متن معتبرتر و منقح‌تری از این تذکره مهم دست یافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. مانند انتساب رباعیات رباعی گویان دوران مختلف به نام خیام و انتساب اشعار ابن‌یمین شبرغانی به ابن‌یمین فریومدی.
۲. برای اطلاع بیشتر درباره این اصطلاح رک: شفیعیون، ۱۳۹۱: ۳۲۲.
۳. در هفت‌فایلیم «کعب‌انبان» آمده است که براساس برگ ۹۴ پ سفینه ۷۵۱ سنه، به «لت‌انبان» اصلاح شد.
۴. این قصیده در دیوان حسن کاشی به نام او آمده است (کاشی، ۱۳۸۹: ۵۵)؛ اما در دیوان لطف‌الله نیشابوری (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۶) و تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی (عبدالکریم مداخ، ۱۳۹۰: ۶۱) به لطف‌الله نیشابوری منسوب است. اوحدی این قصیده را ذیل نام شاعری مجھول و احتمالاً مجهول به نام «مولانا لطفی» آورده است که شاید همان لطف‌الله نیشابوری باشد.

منابع

- ۱- افشار، ایرج (۱۳۸۹). سفینه و بیاض و جنگ (مقالات‌های سفینه‌پژوهی)، گردآوری میلاد عظیمی، تهران: سخن.
- ۲- افضلی، خلیل الله (۱۳۹۵). «سرگذشت نسخه کابل مجموعه لطایف و سفینهٔ ظرایف»، *فصلنامه دانش، اسلام‌آباد، شماره ۱۲۴، ۱۲۷*.
- ۳- اوحدی بلياني، تقى‌الدين محمد بن محمد (۱۳۸۸). *عرفات‌العاشقين و عرصات‌العارفين*، مقدمه، تصحیح و تعلیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ۴- ——— (۱۳۸۹). *عرفات‌العاشقين و عرصات‌العارفين*، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر‌احمد، تهران: میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۵- بیدکی، هادی و دیگران (۱۳۹۶). «بررسی انتقادی شاعران مجالس‌النفايس در عرفات‌العاشقین»، *جستارهای نوین ادبی، سال پنجم*، شماره سوم، ۱۱۵-۹۷.
- ۶- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۸). *تاریخ بیهقی*، مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرست‌ها محمد جعفر یاحقی، مهدی سیدی، تهران: سخن.
- ۷- تبریزی، محمد حسین بن خلف (۱۳۴۲). *برهان قاطع*، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.
- ۸- تبریزی، قطران (۱۳۶۲). *دیوان حکیم قطران تبریزی*، به اهتمام محمد نخجوانی، تهران: ققنوس.
- ۹- جام هروی، سیف (تألیف ۸۰۴ ق الف). *مجموعه لطایف و سفینهٔ ظرایف*، لندن: کتابخانه بریتانیا، شماره Or. 4110 [نسخه خطی]، تاریخ کتابت نامعلوم.
- ۱۰- ——— (تألیف ۸۰۴ ق ب). *مجموعه لطایف و سفینهٔ ظرایف*، کابل: آرشیو ملی افغانستان، شماره 14.761 [نسخه خطی]، تاریخ کتابت نامعلوم.
- ۱۱- جعفری جزی، مسعود و دیگران (۱۳۹۳). «اشعار قطران تبریزی در تذکرة عرفات‌العاشقین در سنجش با دو تصحیح موجود از این تذکره»، *ضمیمه آینه میراث*، شماره ۳۵، ۵۱-۷۴.
- ۱۲- جمال‌الدین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق (۱۳۲۰). *دیوان کامل جمال‌الدین محمد بن عبد‌الرزاق اصفهانی*، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: چاپخانه ارمغان.
- ۱۳- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۶۸). *فرهنگ سخنواران*، تهران: طایه.
- ۱۴- دولتشاه سمرقندی، دولتشاه بن بختیشاه (۱۳۸۲). *تذکرة الشعرا*، به تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- ۱۵- رازی، امین‌احمد (۱۳۸۹). *تذکرة هفت اقلیم*، تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری «حسرت»، تهران: سروش.
- ۱۶- سفینه ۶۵۱ سنا. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۱۲ ق.
- ۱۷- شفیعیون، سعید (۱۳۸۹). «که کارهای چنین: نقدی بر چاپ تذکرة عرفات‌العاشقین»، *آینه میراث*، شماره ۴۷، ۱۳۱-۱۵۲.
- ۱۸- ——— (۱۳۹۱). «عرفات‌العاشقین، تذکره‌ای ممتاز»، *نئر عارف (جشن‌نامه دکتر عارف نوشاهی)*، به خواستاری سعید شفیعیون، بهروز ایمانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۳۲۱-۳۴۶.
- ۱۹- ——— (۱۳۹۳). «نقد چاپ عرفات‌العاشقین، مصادقی برای بایسته‌های تصحیح تذکره‌های ادبی فارسی»،

- متن‌شناسی ادب فارسی، سال ششم، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۴ (پیاپی ۲۴)، ۱۰۳-۱۱۶.
- ۲۰- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم بن احمد (۱۳۶۱). *توضیح الملل ترجمه الملل والنحل*، تحریر مصطفی بن خالقداد هاشمی عباسی، به تصحیح سید محمد رضا جلالی نائیی، تهران: شرکت افست سهامی عام.
- ۲۱- عابدی، امیر حسن (۱۳۶۳). «غزلیات ناشناخته سعدی». کیهان فرهنگی، شماره ۱۰، ۳۳-۳۴.
- ۲۲- عبدالکریم مذاخ (۱۳۹۰). *تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی* (جنگ عبدالکریم مذاخ، مورخ ۱۴۹)، به کوشش امینه محلاتی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲۳- عتیقی تبریزی، جلال الدین بن قطب الدین (۱۳۸۸). *دیوان عتیقی*، به کوشش نصرالله پور جوادی، سعید کریمی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۲۴- عضد، جلال (۱۳۹۳). *دیوان جلال عضد*، به تصحیح علیرضا قوجهزاده هلانی، رساله دکترای ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- ۲۵- علیزاده، جمشید (۱۳۹۲). «شاعران تبریز و آذربایجان در عرفات العاشقین»، *گزارش میراث*، سال هفتم، شماره پنجم و ششم، ۹۸-۱۰۱.
- ۲۶- عوفی، محمد (۱۳۹۰). *لباب الالباب*، تصحیح ادوارد براون و محمد قزوینی؛ به اهتمام سعید نفیسی، تهران: پیامبر.
- ۲۷- ظهیر فاریابی، طاهر بن محمد (۱۳۸۱). *دیوان ظهیر الدین فاریابی*، تصحیح امیر حسن یزدگردی؛ به اهتمام اصغر دادبه، تهران: قطره.
- ۲۸- قزوینی، محمد (۱۳۳۲). *بیست مقاله قزوینی*، با مقدمه عباس اقبال، تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- ۲۹- کاشی، کمال الدین حسن بن محمود (۱۳۸۹). *دیوان حسن کاشی*، به کوشش سید عباس رستاخیز؛ با مقدمه حسن عاطفی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۳۰- کمال اصفهانی، ابوالفضل کمال الدین اسماعیل (۱۳۴۸). *دیوان خلاق المعانی ابوالفضل کمال الدین اسماعیل اصفهانی*، به اهتمام حسین بحرالعلومی، تهران: کتابفروشی دهدزا.
- ۳۱- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره‌های فارسی*، تهران: کتابخانه سنایی.
- ۳۲- لامعی گرگانی، ابوالحسن بن محمد (۲۵۳۵). *دیوان لامعی گرگانی*، به کوشش محمد دیرسیاقی، تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
- ۳۳- شاعر، به تصحیح محمد درزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان.
- ۳۴- لویکی، فضل الله عمید (۱۹۸۵). *دیوان عمید لویکی*، به تصحیح نذیر احمد، لاہور: مجلس ترقی ادب.
- ۳۵- معزی، محمد بن عبدالملک (۱۳۱۸). *دیوان امیر الشعرا محمد بن عبدالملک نیشابوری متخصص به معزی*، تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- ۳۶- نحوی، اکبر (۱۳۹۳). «شاعران منطقه فارس در تذکرة عرفات العاشقین»، *ضمیمه آینه میراث*، شماره ۳۵، ۱۴۱-۱۵۵.
- ۳۷- نجم رازی، نجم الدین ابوبکر (۱۳۶۵). *مرصاد العباد*، به اهتمام محمدامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۸- نذیر احمد (۱۹۹۱م). *غزل‌های حافظ براساس مجموعه لطائف و سفینه ظرافیف*، دهلی: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

- ۳۹- ----- (۱۳۹۴ الف). «کهن‌ترین مجموعه‌های شعر فارسی»، ترجمه شیوا امیرهادایی، اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۲، ۲۲-۱۷.
- ۴۰- ----- (۱۳۹۴ ب). «چند شاعر فارسی‌گوی عهد فیروزشاه تغلق»، ترجمه شیوا امیرهادایی، نامه فرهنگستان، شماره ۴، ۳۷۷-۳۴۷.
- ۴۱- نفیسی، سعید (۱۹۵۵ م). «کهن‌ترین مجموعه‌های شعر فارسی»، ارمغان علمی بخدمت پروفیسر داکتر محمد شفیع؛ مرتبه داکتر سید عبدالله، لاہور: پنجاب مجلس ارمغان علمی، ۱۲۹-۱۲۵.
- ۴۲- نمونه نظم و نثر فارسی از آثار اساتید متقدم (۱۳۴۳). به اهتمام و تصحیح حبیب یغمایی، تهران: چاپخانه تابان.
- ۴۳- نوشاهی، عارف (۱۳۷۸). «مجموعه لطایف و سفینه‌های طرایف منبعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی»، معارف، دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۴۶)، ۶۵-۵۰.
- ۴۴- ----- (۱۳۷۹). «فصل موسیقی مجموعه لطایف و سفینه‌های طرایف»، معارف، دوره هفدهم، شماره ۲، ۱۴۰-۱۳۵.
- ۴۵- ----- (۱۳۸۱). «مجموعه لطایف و سفینه‌های طرایف»، دانشنامه ادب فارسی، جلد سوم، ۸۷۹-۸۸۰.
- ۴۶- نیشابوری، لطف‌الله بن سلیمان شاه (۱۳۹۰). دیوان لطف‌الله نیشابوری، به کوشش رسول جعفریان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۴۷- واله داغستانی، علیقلی خان (۱۳۹۱). تذکرہ ریاض‌الشعراء، تصحیح، مقدمه و فهرست‌ها از ابوالقاسم رادر، گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴۸- وحید، فوزیه (۲۰۱۱). بررسی انتقادی جلد اول مجموعه لطایف و سفینه‌های طرایف نوشته سیف جام هروی، رساله دکترای ادبیات فارسی، دانشگاه علیگر.
- ۴۹- ----- (۲۰۱۴). هندو/ایرانی شعر را کانو دریافت مجموعه کلام، علیگر: مشکوہ پرنترس.
- ۵۰- وطوطاط، رشید الدین محمد (۱۳۳۹). دیوان رشید الدین وطوطاط، با مقدمه و مقابله و تصحیح سعید نفیسی، تهران: کتابخانه بارانی.